

## از کوزه همان تراود که در اوست

از تلویزیون "خراسان" و از گرداننده آن آقای "حامد قادری" نباید انتظار داشت تا در وصل هموطنان قدم رنجه فرماید. این پروگرام تلویزیونی که قبلاً بنام "از لاس انجلس تا کابل" یاد می شد در همان روزگار هم در همین بیراهه روان بود که هیچگاه به کابل نرسید، چون بزرگان گفته اند "راه کج به منزل نمی رسد". همان بود که همکاران آن پروگرام یک ترکش کردند و چون تنها شد، بیراهه "خراسان" در پیش گرفت تا مگر از راه "خراسان" به پول آسان دست یابد. در این طی طریق، خر لنگ آقای قادری، لنگ لنگان به جایی رسید که سراب ای از دور نمایان شد. چند پرچمی زیر دار گریختگی و تعدادی از رفقای شورای نظاری شان از دور نمایان شدند و باغ های سرخ و سبز را به وی نشان داده و طبل "خراسان" به صدا درآوردند. و آقای قادری هم به ساز شان رقصیدن گرفت. پرچمی های جنایتکار و وطن فروش چون در بین مردم روی ندارند و مردم به شدت از آنها متنفرند، جرئت روبرو شدن با مردم را ندارند و رفقای شورای نظاری شان به شمول برادران احمدشاه مسعود هم چون دستان شان تا مرفق به خون هموطنان ما رنگ گشته است و وحشت و بربریت روزهای حاکمیت نیم بند شان در کابل تا هنوز هم چون یک کابوس وحشتناک لرزه به جان آدمی می اندازد، میدانند که با دیدن چهره های عبوس و مفلوک شان در هر جای و هر مکانی و تحت هر اسم و رسمی که باشد، مردم شریف افغانستان چه در داخل کشور و چه در خارج از مملکت از آنها همچون مرض وبا فرار میکنند و....

پس چه بهتر که اهداف شوم خویش را که همانا ایجاد تفرقه های قومی، زبانی، مذهبی و... است بوسیله فردی چون "حامد جان قادری" که یک شخص تقریباً ناشناخته و به احتمال قوی غیر حزبی نیز است، به مرحله اجرا درآورند و آقای "قادری" هم در جستجوی "پول آسان" است. باری یکی از هموطنان از آقای "قادری" سوال کرده بود که به کدام هنرمند افغان بیشتر علاقمند است. ایشان بجواب فرموده بودند که به همان هنرمندیکه از جیب شان بیشتر پول بریزد.... "حامد قادری" تا جای معلومات به هیچ چیز پابندی ندارد به جز پول. ایشان نه علاقمند سیاست اند و نه از ادبیات و نه از وطن و نه از مردم و نه هم از قوم و قبیله و دری و پشتو و تاجکی و....

در گذشته ها چون تلویزیون و تلویزیون بازی رواج نداشت و یا هم اگر داشت در بین افغانها جایی برای خود باز نکرده بود، آقای "قادری" گاهگاهی در صدد برگزاری کنسرت های هنرمندان افغان و ایرانی میشد. یکی از این کنسرت ها که شاید هم کنسرت اول بوده باشد، کنسرتی بود به اشتراک هنرمند محبوب افغانستان محترم حیدر سلیم و هنرمند خوش آواز ایران لیلا فروهر. تاریخ دقیق آنرا به خاطر ندارم. در این کنسرت که در یک هتل در شهر لاس انجلس برگزار شده بود، حامد جان قادری در مدخل تالار تکت های هموطنان را کنترل میکردند. ایشان خلاف معمول تکت های مهمانان را که داخل سالون میشدند پاره نکرده بلکه نزد خود نگه میداشتند و بعداً بالای آنانیکه تکت نداشتند دوباره می فروختند و این کار تا شروع کنسرت ادامه داشت. بدین ترتیب دوچند گنجایش سالون تکت فروخته شده بود و تعداد زیادی از مدعوین جای برای نشستن نداشتند. بی نظمی و هرج و مرج آغاز شد و کار به زد و خورد کشید. پولیس منطقه و مسؤولین اطفائی که در این کشور همیشه لازم و ملزوم یک دیگرند، به محل برگزاری کنسرت شتافته و سالون را تخلیه کرده و کنسرت را متوقف ساختند. در جریان همین گیر و دار ها بود که مردم به خشم آمده و همه آلات موسیقی را شکستند و..... و آقای قادری برای چندین سال دیگر اجازه برگزاری کنسرت را نداشت. سال گذشته نیز آقای قادری کنسرت هنرمند با استعداد و خوش آواز، فرهاد دریا را در شهر لاس انجلس سر و سامان دادند که تعداد زیادی از هموطنان ما در آن شرکت کردند، ولی از بخت بد اتفاقاتی رخ داد و کنسرت لغو گردید و از کنسرت مجانی وعده دادگی فرهاد دریا هم خبری نشد. شایعات زیادی در مورد علل لغو کنسرت وجود داشت، ولی حقیقت هرگز معلوم نشد....

بعدها این هموطن ما جهت کسب روزی به کاپی کردن "سی-دی" های هنرمندان افغان مشغول شد. معمولاً "سی-دی" های هنرمندان افغان در اروپا را بدست آورده و در یک کمپنی امریکایی، چند صد دانه کاپی کرده و به فروش میرساند. یک تعداد از این "سی-دی" ها در همان زمان در استودیوی "پامیر" در جرمنی به ثبت رسیده بود و کاپی های غیر قانونی آن را آقای "قادری" در یک کمپنی امریکایی بنام "C.D.S" در شهر "Valley" از مربوطات لاس انجلس فرمایش داده بود. بعداً در اثر پیگیری مالک استودیوی "پامیر" این تقلب کشف گردید و با مراجعه به کمپنی امریکایی، مسؤولین آن گفته بودند که آن "سی-دی" ها را یک هنرمند بسیار مشهور تان به نام "احمد ظاهر" که همیشه با پسر خورد سال خویش می آید، برای ما فرمایش داده است. "آقای حامد جان قادری در آن کمپنی امریکایی خود را احمد ظاهر معرفی کرده بود."

باری هم این هموطن ما با تلاش و کوشش رستورانی دست و پا کرد و چون به هنر موسیقی علاقمند بود !!! بعضا شب های جمعه و یا شنبه هنرمندان افغان را به رستوران خویش دعوت میکرد تا با آواز گیرای شان جلب مشتری نماید . یکی از این هنرمندان "فرید جان" از گروه چهار برادران بود. قرار معلوم این هنرمند شناخته شده ما، هر باریکه کنسرت تمام میشد، سامان آلات موسیقی خویشرا بسته بندی کرده و با خود میبرد و هفته دیگر دوباره با خود میآورد و... در یکی از شبهاییکه کنسرت تمام شده بود و فرید جان به بسته بندی آلات موسیقی خویش مشغول بوده است، حامد جان قادری به ایشان پیشنهاد میکند که ضرور نیست اینهمه تکلیف بکشند، رستوران کاملا با تمام اسباب داخل آن بیمه است و هیچ تشویشی از نگاه امنیت وجود ندارد و... و فرید جان قبول نموده تمام آلات موسیقی خویشرا در رستوران گذاشته با خیال راحت به خانه میرود. فردا صبح رستوران به سرقت میرود و تنها و تنها آلات موسیقی فرید جان به سرقت میرود و دیگر حتی خسی هم از جای بیجا نمیشود. فرید جان مطمئن است که از کمپنی بیمه رستوران پول خود را بدست خواهد آورد، ولی و اما آقای قادری در جواب شان می فرمایند که من نه بیمه دارم و نه هم پول ....

اینکه در کنسرت های رستوران آقای قادری چه اتفاقاتی در جریان بود، باشد به یک زمان دیگر که اگر لازم افتاد، گفته خواهد آمد .

یکی از دوستان قصه میکرد که یکی از خویشاوندانش در جرمنی میخواست است به آقای قادری پول بفرستد و آقای قادری نمی دانم از طریق رادیو و یا تلویزیون و یا کدام وسیله دیگر به افغانها در اروپا و بخصوص جرمنی اطمینان داده بوده است که با اخذ سه هزار دالر قادر است برای شان اجازه اقامت در امریکا "کرین کارت" اخذ کند. اما آن دوست، وی را مانع شده است. اینکه حامد جان قادری برای چند نفر "کرین کارت" گرفته است و چه مقدار پول بدست آورده است به خودش و خدایش معلوم .

من بسیار متأسف هستم که این سطور را در مورد یک هموطن غیر حزبی خود می نویسم که آلت دست حزبی ها و زیر دار گریختگی ها قرار گرفته و برای یک مشت پول در بین هموطنان خود تخم نفاق می پاشد. اما چاره چیست ؟ بزرگان گفته اند : "اگر بینی که نا بینا و چاه است - اگر خاموش بنشیني گناه است". افغانستان سرزمین همه افغانهاست و تمام اقوام کشور باهم برادر و باهم برابرند و هیچ یک را بر دیگری برتری نیست، الا به تقوی. هر فرد و هر دسته و هر گروهیکه در بین مردم تفرقه ایجاد کرده و به یک قوم یا یک زبان یا یک مذهب توهین کند " فرقی نمی کند که کدام قوم و کدام زبان و کدام مذهب" ، دشمن مردم و میهن است و آب در آسیاب دشمن میریزد. پس تا دیر نشده آقای قادری بخود آئید و دست از تفرقه اندازی بردارید. مردم افغانستان در سی سال گذشته بسیار زجر دیده اند و به حقوق انسانی، افغانی و اسلامی شان از چپ و راست کافی تجاوز صورت گرفته است، شما لطفا به زخم های بیشمار شان نمک پاشی نکنید. تخم تفرقه را انگلیس ها در افغانستان کاشتند، روسهای متجاوز و ایادی خلقی و پرچمی شان آنرا آبیاری کردند و در بارور شدن آن تنظیم های وارداتی از پاکستان و ایران سرو گردن شکستند و طالبان هم در این مسابقه ننگین دست کمی از آنها نداشتند و امروز "افغانستانی" ها و "خراسانی" ها در صدد برداشتن حاصل آن اند که البته خواب است و خیال است و محال است و جنون. این ملت شهید پرور و پرغرور همچنان سربلند و با وقار همه در کنار هم برادر وار خواهند ایستاد و دست در دست همدیگر داده و کشور خود را آباد و آزاد خواهند ساخت، فارغ از هرگونه حزب و تنظیم بازی و بدور از هر نوع تفرقه و تبعیض و تعصب. و شما آقای "قادری" بکوشید در صف ملت باشید و مؤتید اتحاد، اتفاق، همبستگی، دوستی و برادری و برابری و صلح و سربلندی مردم با شهامت و پر افتخار افغانستان عزیز، نه در صف یک مشت خائن بوطن، تجزیه طلب، متعصب و تا مغز استخوان غرق در تبعیض. بیآئید نهال دوستی بنشانیم و بر زخم های بیشمار این ملت زجر کشیده مرحمی باشیم . راه شما و راه "دریادلی" ها باید جدا باشد. حال این "دریادلی" هرکس که میخواهد باشد فرقی نمی کند. خواه "عمر راوی" باشد یا احمد یا محمود و فرقی شما با این گونه افراد در این است که شما لااقل از چوکات اخلاق خارج نشده و تربیه فامیلی تان به شما این اجازه را نداده است که مانند "دریادلی" فحاش باشید و بی ادب. باقی خود دانید. در مورد ایجاد مکاتب به زبان ملی پشتو در قلب افغانستان "کابل ویرانه و به خاکدان سیاه نشسته" باید گفت اگر چند باب مکتب به زبان پشتو در کابل وجود داشته باشد، کدام آسمانی به زمین خواهد خورد؟ من و شما که فرزندان ما به لسان پشتو آشنائی ندارند می توانیم فرزندان خود را به مکاتب دیگر که به زبان ملی دری تدریس میکنند، بفرستیم که البته در آن مکاتب، پشتو یکی از مضامین تدریسی آن خواهد بود. به همین گونه در مکاتبی که به زبان پشتو تدریس میشود، یک مضمون لسان دری خواهد بود. ایکاش مکاتبی به زبانهای تاجکی و ازبکی نیز در کابل کشایش یابند .

**اگر از کابل و بلخ و تخاریم ،**

**همگی پک بیراریم**